

**Journal of Islamic Education Research**

Faculty of Literature and Humanities

Shahid Bahonar University of Kerman

Vol. 8, No. 2, Serial 14, 2019

---

***Looking at sin and the sinner from the perspective of Islamic religious texts and their consequences in education***

S. Mohammad-Sadeghipour<sup>1</sup>, Ph.D. Student in Philosophy of Islamic Education, Department of Education, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. smohamadsadeghi@yahoo.com

**Abstract** Looking at sin and the sinful person has been the subject of discussion in all human societies and religions and there has always been controversy surrounding it. The purpose of this study was to investigate the view of Islam on sin and the sinner from the perspective of the Qur'an and Islamic religious texts. Moreover, it aimed to study the consequences of sin in education from the perspective of the Qur'an. In this regard, a descriptive-analytical research method was adopted. First, the theoretical foundations of sin and the sinner as well as viewing a sinful person were investigated. Thereafter, all Quranic verses related to sin and the sinner and their synonym terms were extracted. Then, sin and the sinner were also investigated in Nahj al-Balagha, Nahj al-Fesaha and religion texts. Later, selective coding was used and the relevant principles were collected and analyzed qualitatively. The word sin itself, the meaning of sin, the origin of sin, the attitude of Islam to the sinner and the effects of sin on education were scrutinized. The identified consequences of sin in education from the viewpoint of the Holy Qur'an include anxiety, having guilty conscience, negligence, scandal, hindering knowledge, retribution and torment, hindering prayer, disbelief and hard heartedness. Of course, anxiety and having guilty conscience can have a

---

<sup>1</sup> Corresponding Author

useful aspect; they might lead to the return of the guilty person and his/her repentance. Of the influential factors resulting in repentance and forgiveness are having guilty conscience and anxiety arising from the commission of sin.

**Keywords:** Sin, Sinner, Religious texts, Education.

## مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

### گناه از منظر متون دینی اسلام و پیامدهای سوء آن در تعلیم و تربیت

سمیه محمدصادقی پور<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت اسلامی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

smohamadsadeghi@yahoo.com

#### چکیده

نگاه به گناه و فرد گناهکار موضوع مورد بحث تمامی جوامع بشری و ادیان بوده و در مورد برخورد با آن اختلاف نظر وجود داشته است. هدف این پژوهش، بررسی دیدگاه اسلام نسبت به گناه و فرد گناهکار از منظر قرآن کریم و متون دینی اسلام و نیز بررسی پیامدهای گناه بر تربیت از منظر قرآن است. در این باره از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شد. ابتدا به مطالعه مبانی نظری در مورد گناه و گناهکار و همچنین نگاه به فرد گناهکار پرداخته شد و در مرحله بعد، تمام آیات قرآنی مرتبط با گناه و گناهکار و واژه‌های مترادف آن استخراج گردید. سپس گناه و گناهکار در نهج البلاغه، نهج الفصاحه و متون دینی بررسی و کدگذاری باز و کدگذاری محوری شد و مبانی موجود مربوط، جمع آوری و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. واژه گناه در لغت و معنی، منشأ گناه، برخورد اسلام با گناهکار و آثار گناه بر تربیت مورد بررسی

<sup>۱</sup>. نویسنده مسئول

قرار گرفت. نتایج نشان داد که پیامدهای شناسایی شده گناه در تربیت از منظر قرآن کریم عبارتند از: نگرانی و اضطراب، عذاب وجدان، غفلت، رسوایی، مانع کسب معرفت، عذاب و عقوبت، مانع استجاب دعا، کفر و بی‌دینی و قساوت قلب؛ البته نگرانی و اضطراب و عذاب وجدان وجه مفیدش در آن است که این اضطراب و عذاب وجدان احتمال بازگشت انسان گناهکار و توبه او را فراهم می‌آورد و از عوامل تاثیرگذار توبه و طلب بخشش می‌تواند عذاب وجدان و اضطراب ناشی از ارتکاب به گناه باشد.

**کلمات کلیدی:** گناه، گناهکار، متون دینی، تعلیم و تربیت.

#### ۱- مقدمه

انسان ممکن الخطا است، نه جایز الخطا. هیچ قانونی این اجازه را به انسان نمی‌دهد که در طول زندگی مجاز به انجام خطا و اشتباه و گناه گردد. اگر این مجوز به انسان داده شود، بی‌شک نظم اجتماعی و حتی امنیت روحی و روانی جامعه به خطر خواهد افتاد. از سوی دیگر به جز انبیاء و امامان معصوم (علیهم‌السلام) همه انسان‌ها در صدی از خطا و اشتباه را در کارها و امورشان خواهند داشت. هر چند که خداوند متعال به همه انسان‌ها عقل و اندیشه داده و هدایت الهی را شامل حال آنها نموده است؛ ولی انسان‌ها همیشه در معرض خطا و اشتباه، تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی قرار دارند.

«گناه به معنی خلاف است و در اسلام هر کاری که بر خلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود. گناه هر چند کوچک باشد، چون نافرمانی خداست، بزرگ است.» (قرائتی، ۱۳۷۷: ۲). در زمینه نحوه برخورد و رفتار با کسی که مرتکب گناه می‌شود در بین عموم مردم و حتی نخبگان جامعه اختلاف نظر وجود دارد. نگاه به فرد گناهکار با توجه به فرهنگ، نژاد، دین، آداب و رسوم و باورهای هر جامعه متفاوت است و گاه برخوردهایی با فرد خطاکار صورت

می گیرد که ممکن است تا آخر عمر برچسپی را یدک بکشد و یا از اجتماع و نزد دوستان و آشنایان خود طرد شده و چنان عرصه اجتماعی بر او تنگ آید که مجبور به ترک شهر و دیار خود شده و یا گوشه عزلت گزیده و از اجتماع دوری گزیند. هر انسانی ممکن است خطا یا گناهی مرتکب شود؛ اما اینکه در جامعه به گناه او به چه دیدی نگرسته می شود، مهم است؛ زیرا ممکن است نگاه سرزنش آلود اجتماع، آینده فرد خاطی را به مخاطره بیندازد.

البته می توان گفت که خطا یا گناه فرد خطاکار می تواند در برخورد با او نقش داشته باشد. در هر صورت اگر شخصی، گناهی مرتکب شود، باید برخورد قانونی با او انجام شود و از ملامت و سرزنش مداوم او خودداری گردد. امام صادق (ع) در مذمت سرزنش گناهکار می فرماید: «کسی که مؤمنی را برای گناهی سرزنش کند، نمیرد تا خودش آن گناه را مرتکب شود.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ح ۱۴۸۵۴)

در مورد نگاه به گناه و گناهکار در ادیان الهی اختلاف نظر وجود دارد. گناه آدم و حوا یکی از آموزه های بنیادین در مسیحیت است که اصطلاحاً «گناه نخستین» نامیده می شود. آموزه گناه نخستین، نقشی کلیدی در الهیات مسیحی داشته و دل مشغولی بسیاری از اندیشه وران مسیحی در درازای تاریخ مسیحیت بوده است. گفت و گوها و مشاجره های الهی دانان مسیحی در خصوص گناه نخستین، به ویژه در دوره های نخستین مسیحیت، به گرفتن موضعی رسمی از سوی کلیسا در این خصوص شد. در متون مقدس مسلمانان و به ویژه قرآن کریم نیز ذیل آیه هایی چند، به نافرمانی و گناه آدم و حوا پرداخته شده است و اندیشه وران و مفسران بسیاری به گفت و گو درباره گناه آدم و حوا در قرآن پرداخته اند. به رغم توافق فراگیری که میان مسیحیان و مسلمانان در باب لغزش آدم و حوا وجود دارد، در چند و چون آن، میان آنان اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. (ملایوسفی و معماری، ۱۳۹۰)

آموزه گناه نخستین یکی از اصول اعتقادی مسیحیان است. بر اساس این آموزه، طبیعت بشری به علت گناه آدم، آلوده شده است. آگوستین معتقد است که بین مرگ و گناه ارتباط وجود

دارد. او مرگ را بر مبنای گناه نخستین و دیگر گناهان توجیه می‌کند. به باور آگوستین، خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده است که اگر گناه نمی‌کرد، از زندگی جاودانه برخوردار می‌شد. وی تأکید می‌کند که اولین زوج بشر بر اثر عصیان، بر مبنای داوری عادلانه خداوند مجازات شدند؛ بنابراین، نسل بشر در حالی متولد شدند که ذات آنها آلوده به گناه نخستین است (کاکایی و جباری ناصرو، ۱۳۹۵). دین اسلام، اعتقادی به این آموزه ندارد. به اعتقاد علامه طباطبایی، آدم<sup>ع</sup> از ابتدا برای زندگی زمینی خلق شده بود و سکونتش در بهشت، مقدمه‌ای برای آن بوده است. آدم مخالف امر الهی عمل نکرد، زیرا مخالفت وی، نهی ارشادی بوده است و عمل او، ترک اولی محسوب می‌شود. با توبه آدم و قبولی آن در نزد خداوند، مقام آدم تغییری نکرد؛ بلکه مکان و کیفیت زندگی وی تغییر کرد (خوشدل روحانی و بیگدلی، ۱۳۹۲).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان اشاره کرد که دین مبین اسلام انسان را از گناه ازلی و ابدی مبرا می‌داند؛ «زیرا توجه در آیات و احادیث، بیانگر آن است که «گناه»، یک بیماری روحی و روانی است که پیامدهای منفی زیادی دارد، نظیر: خواری و پستی نفس، عذاب روحی، شک و اضطراب، اندوه، فقر روحی، دورویی، ناامیدی. آثار سوء بیماری گناه، از موانع بزرگ فرایند تهذیب و تربیت انسان، ویران‌ساز سلامت قلب و بازدارنده سعادت اوست (جعفرطیاری دهاقانی، ۱۳۹۴).

از نظر استاد مطهری، تکرار گناه و مداومت بر اعمال ناپسند، حاکمیت نفس را از بین برده و جنبه عقلی و ملکوتی آن به تدریج کم‌رنگ می‌شود تا جایی که گناه، مانعی برای کسب معرفت و نیز عامل عدم اذعان و تصدیق حقیقت می‌گردد. (یزدانی و گرگین، ۱۳۹۶)

برخی از محققان به استناد سخنان و داستان‌هایی که از صوفیان نقل می‌شود، این ایراد را به آنها وارد می‌سازند که نسبت به گناه و گناهکاران حساسیت چندانی ندارند. در حالی که نگاه صوفیان به گناه و گناهکار متفاوت با نگاه دیگران است. آنها گناه را ضرورت و لازمه زندگی می‌دانند؛ اما آن را هدف زندگی نمی‌دانند. همان‌گونه که افتادن، لازمه راه رفتن است؛ اما هدف

آن نیست و معتقدند که ارتکاب گناه برای گناهکار نتایجی چون دوری از غرور و خودبرتربینی، توبه و بازگشت به سوی حق، امکان برخورداری از لطف حق، دلسوزی برای گناهکاران و تسامح با آنان را در پی دارد. (صفایی سنگری، ۱۳۸۱)

با این حال بسیاری از افراد تصور می کنند که هیچ وقت مرتکب گناه نخواهند شد و به همین دلیل فردی را که خطایی انجام می دهد، سرزنش و ملامت می کنند. در صورتی که خداوند خود ارحم الراحمین است و در توبه را به روی همگان باز گذاشته است و از گناه بندگانش چشم پوشی می کند. اینکه در روایات، ملامت و سرزنش گناهکار به خاطر گناهش نهی شده است، شاید به این دلیل است که گناه، بیماری است و گناهکار، بیمار؛ و همان طور که ملامت کردن بیمار به خاطر بیماری اش صحیح نیست و باید به درمانش توجه کرد، توبیخ گناهکار نیز به خاطر گناهش درست نیست و باید با استفاده از راه های درمانی به درمان او پرداخت. به نظر می رسد در جامعه کنونی ما، فرد گناهکار به شدت از جامعه طرد شده؛ به خصوص در جوامع کوچک که برخوردهای درستی با گناهکار نخواهد شد و عواقب اجتماعی ناخوشایندی برایش رقم خواهد خورد.

در قرآن ناامیدی از رحمت بی کران الهی یکی از بزرگ ترین گناهان شمرده شده است. خداوند در سوره یوسف، آیه ۸۷ می فرماید: «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» «از رحمت خدا نومید مباشید؛ زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود.» انسان باید بداند که درهای توبه همیشه به سوی او باز است و همیشه می تواند از گناهان خود به درگاه خداوند استغفار نماید و به رحمت خداوند امید داشته باشد و همچنین اگر بداند که همیشه و در همه حال در محضر خدا قرار دارد، هرگز دست به گناه نخواهد زد. آیه ۴۱ سوره فصلت به خوبی این مطلب را بیان می کند. خداوند می فرماید: «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.» «هر چه می خواهید، انجام دهید؛ بی تردید او به آنچه انجام می دهید، بیناست.» بی تردید انسان، موجودی ممکن الخطا است و هر لحظه امکان دارد هوای نفس بر او غلبه کند و

گناهی را مرتکب شود. اما خداوند همیشه برای انسان خطا کار راه توبه و استغفار را نیز باز گذاشته است. هر چند که انسان می‌بایست از نفس خود مواظبت نموده و دچار گناه نشود، اما وقتی گناهی را مرتکب شد، می‌تواند به درگاه خداوند توبه نماید و از گناه خود برگردد.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوالات زیر است:

از منظر قرآن و متون دینی نگاه به گناه چگونه است؟ گناهکار کیست؟ پیامدهای سوء گناه برای تربیت انسان چیست؟ این پیامدها چگونه انسان را از عبودیت و بندگی خداوند دور خواهند کرد؟ برخورد با فرد گناهکار باید چگونه باشد؟

در این مقاله از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری گردیده و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در ابتدای کار به مطالعه مبانی نظری در مورد گناه و گناهکار و همچنین نگاه به گناهکار پرداخته شده است. در مرحله بعد تمام آیات قرآنی مرتبط با گناه و گناهکار استخراج شد. به این ترتیب که واژه گناه و واژه‌های مترادف آن مانند (ذنب، معصیت، اثم، سیئه، جرم، حرام، خطیئه، فسق، فساد، فجور، منکر) و همچنین واژه‌های مرتبط با گناه مانند (توبه و استغفار) استخراج شد. در مراحل بعد گناه و نگاه به گناهکار در نهج البلاغه، نهج الفصاحه و متون دینی دیگر بررسی شده است. در این تحقیق از کدگذاری باز و کدگذاری محوری استفاده شده است. در ابتدا آیات و احادیث استخراج شد و با توجه به مضمون انتخاب شده از آنها نتیجه‌گیری انجام شد و مبانی که در راستای هدف تحقیق بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.



جدول مربوط به آیات استخراج شده از کلمات مترادف گناه از قرآن

مضمون	آیات	
استغفار از گناه. عذاب الهی برای گناهکاران. دور ماندن افراد گناهکار از رحمت الهی	(یوسف، ۲۹) (عنکبوت، ۴۰) (غافر، ۵۵) (محمد، ۱۹) (فتح، ۲) (الرحمن، ۳۹) (ملک، ۱۱) (شمس، ۱۴) (تکویر، ۹) (شعرا، ۱۴)	آیات مربوط به کلمه ذنب
کتمان شهادت باعث گناهکار شدن قلب. خداوند بخشنده و مهربان است. پرهیز از گمان بد، غیبت و تجسس در کار دیگران. اشاره به توبه پذیری و بخشنده‌گی و مهربانی خداوند	(بقره، ۱۸۱) (بقره، ۲۸۳) (بقره، ۱۷۳) (بقره، ۱۸۲) (بقره، ۲۰۳) (بقره، ۲۱۹) (مائده، ۲۹) (مائده، ۳) (حجرات، ۱۲)	آیات مربوط به کلمه اثم
تشویق و کمک به کار نیک، نیکی به دنبال دارد و تشویق و کمک به کار بد نیز بدی به دنبال خواهد داشت. مجازات برای کیفر کار بد و پاداش برای کارهای خوب از جانب خداوند.	(بقره، ۱۶۹) (بقره، ۸۱) (نساء، ۸۵) (غافر، ۴۰) (یونس، ۲۷) (شوری، ۴۰) (آل عمران، ۱۲۰) (نساء، ۷۸) (اعراف، ۱۳۱) (شوری، ۴۰) (نحل، ۲۳) (غافر، ۴۳)	آیات مربوط به کلمه سببه
مجرمان رستگار نخواهند شد. فرو رفتن مجرمان در نومیدی و غم و آنده در روز رستاخیز. مجرمان از درک حقیقت باز می‌مانند.	(انعام، ۵۵) (هود، ۳۵) (فرقان، ۲۲) (نمل، ۶۹) (سجده، ۲۲) (زخرف، ۷۴) (قمر، ۴۷)	آیات مربوط به کلمه حرم

همچنین احادیث کتاب‌های ارزشمند نهج البلاغه و نهج الفصاحه نیز بررسی، استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. که به دلیل زیاد شدن حجم مقاله امکان ایجاد جدول مربوط وجود ندارد.

## ۲- یافته‌های پژوهش

### ۲-۱- لغت و معنی واژه گناه

گناه در لغت به معنی کار بد؛ عمل زشت، بزه؛ جرم، نافرمانی، معصیت، گناه ورزیدن: (مصدر لازم) گناه کردن و مرتکب گناه شدن است. گناه دارای واژه‌های مترادف: اثم، بزه، تقصیر، جرم، جنایت، حرج، خبط، خطا، ذنب، زلت، سیئه، کبیره، معصیت و منکر می‌باشد و حسنه یا ثواب از واژه‌های متضاد آن محسوب می‌گردد. (عمید، ۱۳۸۹). «از منظر اسلام گناه، هر گونه عملی است که فرد با ارتکاب آن از حدود الهی تجاوز می‌کند.» (کاکایی، ۱۳۹۵: ۳). «گناه از آنجا پیدا می‌شود که انسان تحت تأثیر شهوات و میل‌های نفسانی خودش برخلاف آنچه که عقل و ایمانش حکم می‌کند، عملی را انجام می‌دهد. حالت گناه، حالت از دست دادن مالکیت انسان بر نفس خود است.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۸۸).

واژه‌هایی که در قرآن درباره گناه آمده است، عبارتند از:

۱- اِثْمٌ: به آن حالتی گفته می‌شود که در روح و عقل انسان به وجود می‌آید و او را از رسیدن به نیکی‌ها و کمالات بازمی‌دارد و به عبارت دیگر، به معنی هر گونه کاری است که زیان‌بخش باشد؛ بنابراین، هر نوع گناهی در مفهوم وسیع «اِثْمٌ» داخل است. (حسینی‌بناب، ۱۳۹۳). قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا اِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ پس هر کس آن (وصیت) را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گنااهش تنها بر گردن کسانی است که آن را تغییر می‌دهند، آری خدا شنوای داناست.» (بقره، ۱۸۱).

۲- جُرْمٌ: گناه، عملی که انسان را از هدف و تکامل جدا می‌سازد. در اصل به معنی بریدن و بدان تناسب به گناه جُرْمٌ می‌گویند که آدمی با ارتکاب آن از خدا بریده و پیوند بندگی‌اش گسسته می‌شود، مُجْرِمٌ: گناهکار، مجرمون: کسانی که با انکار حقایق و ستیزه‌جویی در مقابل پیامبران و مردمی که برحق‌اند، مرتکب گناه می‌شوند. این واژه

بیش از ۶۱ بار در قرآن تکرار شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۷۷). «وَكذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ وَكَلَّسْتَيْنَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ؛ و این گونه آیات (خود) را به روشنی بیان می کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود.» (انعام-۵۵).

۳- حرام: به معنی ممنوع است. این واژه حدود ۷۵ بار در قرآن آمده است. (قرائتی، ۱۳۷۲: ۲):

۴- حُوب: یگانه معنای این واژه عبارت است از ضایع کردن حقوق از سوی کسی که بر او اعتماد شده است و از بدترین مصادیق گناه می باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۲۷). «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا؛ و اموال (یتیمان) را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است.» (نساء - ۲).

۵- حَنْث: تمایل به باطل و بازخواست آمده است و بیشتر در مورد گناه پیمان شکنی و تخلف بعد از تعهد، آمده است. این واژه دو بار در قرآن آمده است. (قرائتی، ۱۳۷۲: ۳) این واژه در سوره های «ص» آیه ۴۴ و «واقعه» آیه ۴۶ آمده است، «وَاخَذَ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ (و به او گفتیم) بسته ای از ساقه های گندم (یا مانند آن) را برگیر و به او (همسرت) بزنی و سوگند خود را مشکن، ما او را شکمیا یافتیم. چه بنده خوبی که بسیار بازگشت کننده به سوی خدا بود؟» (ص: ۴۲) «وَكَاثُوا يُصِرُّونَ عَلَىٰ الْحِنثِ الْعَظِيمِ؛ و بر گناه بزرگ پافشاری می کردند.» (واقعه -۴۶).

۶- خَبَط: حرکت نامتعادل همراه با سستی و سقوط را گویند که در قرآن فقط یک بار و آن هم در سوره «بقره» آیه ۲۷۵ آمده است، «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ... کسانی که ربا می خورند، (از گور) برنمی خیزند؛ مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است.»

۷- خطیئه: غالباً به معنی گناه غیر عمدی است و گاهی در معنی گناه بزرگ نیز استعمال شده است؛ چنانکه آیه ۸۱ سوره بقره و ۳۷ سوره حاقه بر این مطلب گواه می‌باشد. این واژه در اصل حالتی است که برای انسان بر اثر گناه پدید می‌آید و او را از طریق نجات، قطع می‌کند و راه نفوذ انوار هدایت به قلب انسان را می‌بندد. این واژه ۲۲ بار در قرآن آمده است. (قرائتی، ۱۳۷۲: ۳) «وَمَنْ يَكْسِبِ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ... و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است.» (نساء - ۱۱۲).

۸- ذنب: هر عملی که دنبال آن ضرری یا فوت نفعی و مصلحتی بوده باشد. این کلمه مترادف با معصیت (نافرمانی) نیست؛ بلکه معنای آن، اعم است. مرتکب عمل حرام شدن و همچنین به عمل خلافی که باعث پشیمانی شود؛ ولی مستوجب عقاب و مجازات نباشد، می‌گویند (تاجدینی، ۱۳۸۲: ۲۴۶). این واژه در قرآن کریم ۳۵ بار تکرار شده است، «وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ؛ موسی گفت: ای پروردگار من برای آنان (فرعونیان) بر عهده من (ذنب) گناهی است (قتل یک نفر قبلی است که از مشت زدن من مرد) پس می‌ترسم که مرا بکشند.» (شعرا - ۱۴).

۹- سیئه و سوء: سوء یعنی بدی، سیئات جمع سیئه به کار زشت و ناهنجار که انجام‌دهنده آن در خور نکوهش و کیفر است، اطلاق می‌شود. سیئه بیش از ۱۶۵ بار و سوء ۴۴ بار در قرآن آمده است (ابن فارس، ۱۴۲۲ق: ۴۷۵). «أَنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ او (شیطان) شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و (وامی دارد) تا بر خدا چیزی را که نمی‌دانید، بر بندید.» (بقره: ۱۶۹).

۱۰- شرّ: یعنی هر زشتی که مردم از آن نفرت دارند (قرائتی، ۱۳۷۲: ۳) که در قرآن فقط یک بار آن هم در سوره «زلزال» آیه هشت آمده است، «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید».

۱۱- فاحشه: کار بسیار زشت و ننگین و نفرت آور. گناهان کبیره و زشتی ها هم معنی می دهد. فاحشه در اصطلاح، عمل زشتی را گویند که جامعه به سبب مفسد اجتماعی آن و رفع نکردن ضروریات مردم، آن را قبیح شمارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۶). این واژه در قرآن ۲۴ بار تکرار شده است، «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا... و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا می دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و...» (آل عمران: ۱۳۵).

۱۲- فُجُور: پاره شدن پرده حیا و آبرو و دین که باعث رسوایی می گردد. این واژه در قرآن شش بار تکرار شده است. (قرآنی، ۱۳۷۲: ۲) «وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ؛ و بی شک، بدکاران در دوزخ اند.» (انفطار: ۱۴).

۱۳- فساد: خروج از حد اعتدال است که نتیجه اش تباهی و به هدر رفتن استعدادها است. (قرآنی، ۱۳۷۲: ۲) این واژه در قرآن ۵۰ بار آمده است. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد.» (بقره: ۲۰۵)

۱۴- فسق: خروج از مقررات دینی یا عقلی یا طبیعی لازم که ۵۳ بار در قرآن آمده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۸۹) «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند، به سزای آن که نافرمانی می کردند، عذاب به آنان خواهد رسید.» (انعام: ۴۹)

۱۵- لَمَم: به معنای نزدیک شدن به گناه، درباره گناهان صغیره به کار می رود. (قرآنی، ۱۳۷۲: ۲) همچنین به انجام گناه به طور تصادفی و اتفاقی که انسان به آن عادت نداشته باشد، در قرآن یک بار آن هم در سوره «نجم» آیه ۳۲ آمده است. «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ أَلَّا اللَّيْمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ... آنان که از گناهان بزرگ و زشت کاری ها جز

لغزش‌های کوچک خودداری می‌ورزند، پروردگارت (نسبت به آنها) فراخ‌آمرزش است...» (نجم: ۳۲).

۱۶- معصیت: سرپیچی و خروج از فرمان خدا و بیانگر آن است که انسان از مرز بندگی خدا بیرون رفته است. (قرائتی، ۱۳۷۲: ۲) این واژه ۳۳ بار در قرآن آمده است. «قُلْ أَنِي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ؛ بگو اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.» (انعام: ۱۵)

۱۷- مُنْكَرٌ: در اصل از انکار به معنی ناآشنا است؛ زیرا گناه با فطرت و عقل سالم، هماهنگ و مأنوس نیست و عقل و فطرت سالم، آن را زشت و بیگانه می‌شمرد. (قرائتی، ۱۳۷۲: ۲) که ۱۶ بار در قرآن آمده است. «كَانُوا لَا يَتَّهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ (و) از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند، راستی چه بد بود آنچه می‌کردند.» (سوره مائده: ۷۹)

۱۸- ثَقُلٌ و وَرْزٌ: «ثقل» به معنی «سنگینی» است. اصل آن در اجسام است و در معانی نیز می‌آید. وَرْزٌ (بر وزن جِسر) به معنی سنگینی است (حسینی بناب، ۱۳۹۳: ۱۶۳). این واژه در قرآن کریم ۲۶ بار آمده است، «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى... و هیچ باربردارنده‌ای بار (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد...» (سوره فاطر: ۱۸). «وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ... و قطعاً بارهای گران خودشان و بارهای گران (دیگران) را با بارهای گران خود بر خواهند گرفت.» (عنکبوت: ۱۳)

## ۲-۲- برخورد اسلام با گناهکار

«در دیدگاه اسلام بر همه مردم واجب است به دل و زبان و با قدرت در برابر گناهکار واکنش نشان دهند و نهی از منکر نمایند. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به حدی است که امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر روش پیامبران و شیوه صالحان و فریضه عظیم

الهی است که سایر فرایض بوسیله آن برپا شود و در پرتو آن راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال شود و حقوق افراد تأمین گردد و زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته شود و همه کارها سامان یابد.» (قرائتی، ۱۳۷۲: ۹۰)

از دیدگاه قرآن بعضی از گناهان نابخشودنی هستند و فرد گناهکار به واسطه انجام آنها بخشیده نخواهد شد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند گناهی را نمی‌بخشد و توبه افرادی را نخواهد پذیرفت، خداوند گناه قاتل را نخواهد بخشید. در سخنی دیگر فرمودند: خداوند، شرک، قتل نفس، بدرفتاری با پدر و مادر و شهادت دروغ را نخواهد بخشید. در تمامی متون دینی احترام به پدر و مادر در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد. حتی در قرآن کریم نیز به این مهم اشارات زیادی شده است. از جمله در آیات (۱۵) سوره احقاف، ۱۴ سوره لقمان، ۱۵۱ سوره انعام، ۸۳ سوره بقره، ۲۳ سوره اسراء، ۱۷ سوره احقاف، ۳۶ سوره نساء، ۸ سوره عنکبوت، همچنین بدرفتاری با پدر و مادر از گناهان نابخشودنی به حساب می‌آید. در حدیث ۲۱۶۴ نهج الفصاحه، پیامبر (ص) می‌فرماید: «خدای والا، از همه گناهان هر چه را خواهد تا روز رستاخیز مؤخر دارد؛ مگر نارضائی پدر و مادر که خدا سزای آن را در زندگی دنیا پیش از مرگ دهد.»

شرک به خدا گناه نابخشودنی است؛ چنانچه پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: خمس لیس لهنّ کفّاره: الشّرك باللّه و قتل النّفس بغير حقّ و بهت المؤمن و الفرار من الزّحف و یمین صابرة یقتطع بها مالا بغير حقّ. (نهج الفصاحه، حدیث ۱۴۱۶). پنج گناهست که محوشدنی نیست: شریک قرار دادن برای خدا و کشتن کسان بناحق و بهتان زدن بمؤمن و فرار از جنگ و قسم ناحق که بوسیله آن مال کسان را ببرند.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت غیر از گناهان کبیره‌ای که بخشش آنان سخت و گاه غیر ممکن است، سایر گناهان در صورت ندامت و پشیمانی گناهکار از طرف خدای متعال قابل بخشش و چشم‌پوشی است. خداوند در امیدبخش‌ترین آیه خود این نوید را به گناهکار داده است و به او وعده می‌دهد که از رحمت خدا ناامید نشده؛ زیرا بسیار بخشنده و مهربان است. «قُلْ

يَا عِبَادِ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ  
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (زمر: ۵۳)، بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت  
خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است». البته  
رحمت خداوند در سایه ندامت و پشیمانی گناهکار است که تحقق می‌یابد.

### ۲-۱- توبه: راهبرد پیشنهادی اسلام به گناهکاران

همان‌طور که گفته شد انسان همیشه در برابر خواهش‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی قرار دارد و هر لحظه ممکن است مرتکب گناه شود. اما خداوند راهی را برای انسان‌ها قرار داده است تا زمانی که به گناه خود پی بردند و پشیمان شدند به درگاه خداوند توبه نمایند. پیامبر (ص) در حدیثی می‌فرماید: «وقتی کار بدی از تو سر زد از آن توبه کن. برای گناه نهانی، توبه نهانی و برای گناه آشکار، توبه آشکار». (نهج‌الفصاحه، حدیث ۲۲۲) از شرایط توبه و پذیرش آن، بیزاری از گناه و مرتکب نشدن دوباره آن گناه است. در این باره پیامبر (ص) در حدیثی می‌فرماید: «کسی که از گناه توبه کند، چنانست که گناه نکرده باشد و کسی که از گناه، آمرزش طلبد و باز مرتکب آن شود، چنانست که پروردگار خویش را مسخره کند و هر که مسلمانی را آزار رساند، گناهش به اندازه نخلستان‌هاست». (نهج‌الفصاحه، حدیث ۱۱۹۵) البته عنایت و بخشش الهی در سایه توبه راستین محقق می‌شود. خداوند در آیات متعددی در قرآن از توبه یاد می‌کند. از جمله آیه ۸ سوره تحریم، مؤمنین را به توبه دعوت می‌نماید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید».

باید به این نکته توجه نمود که درست است که خداوند درهای توبه را باز گذاشته است و توبه را می‌پذیرد، اما اینکه تا لحظه مرگ هر کاری انجام دهی و لحظه مرگ توبه نمایی، کاری است بیهوده و همچنین توبه کسانی که در حال کفر می‌میرند، پذیرفته نخواهد شد و آنان به



عذابی دردناک دچار خواهند شد. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ.» (آل عمران، ۹۰)، «کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند)، هیچگاه توبه آنان، (که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می گیرد)، قبول نمی شود و آنها گمراهان (واقعی) اند؛ بنابراین؛ خداوند در قرآن کریم راه بخشش توبه را استغفار و پشیمانی ذکر کرده است.

### ۲-۲-۲- استغفار از گناهان

استغفار به معنای درخواست آمرزش از خداوند است و تفاوت آن با توبه در این است که توبه، بازگشت به سوی پروردگار با پشیمانی از عمل بد خویش است؛ ولی استغفار، درخواست مغفرت و آمرزش از او است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۴۳۹). «حساسیت افراد در برابر گناه، یکسان نیست. هر اندازه که آینه دل صاف تر و شفاف تر و برآق تر باشد، کدورت را بهتر نشان می دهد و آدمی را زودتر به پاک کردن و صاف نمودن وادار می کند؛ به همین دلیل، بزرگان و پاکان و صاحبان قلب سلیم بیشتر به استغفار و توبه می پرداختند. امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: «هیچ چیزی مانند گناه روح را پریشان و بیمار نمی کند. گناه آنقدر در دل اثر می گذارد و قلب را مشوش می کند که کاملاً بر او مسلط می شود و او را تابع خود می کند. کم کم قلب و روح آدمی واژگون می گردد، دل که واژگون و معکوس شد، همه چیز را معکوس می بیند.» (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۴۰۹)

در قرآن آیاتی در خصوص استغفار از گناهان بیان شده است؛ از جمله آیه ۵۵ سوره غافر که طلب آمرزش از گناهان را در ستایشگری خداوند بیان می کند. «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (غافر: ۵۵) پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش.»

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در احادیثی در کتاب نهج الفصاحه، کار نیک را سبب محو شدن گناهان می دانند. در این مورد این گونه بیان می دارند: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَاتَّبِعِ السَّبِيلَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا وَ خَالِقِ النَّاسِ بِخُلُقِ حَسَنٍ (نهج الفصاحه: حدیث ۴۶) هر کجا هستی از خدا بترس. به دنبال گناه،

کار نیک انجام بده تا آن را محو کند و با مردم خوش اخلاق و نیکو رفتار باش. الإستغفار ممحاة للذنوب. (نهج الفصاحه: حدیث ۱۰۵۳) استغفار وسیله محو گناهانست.

خوش خلقی نیز گناه را محو می کند؛ مانند آفتاب که یخ را ذوب می کند. إن حسن الخلق ليزيب الخطيئة كما تذيب الشمس الجليد. (نهج الفصاحه: حدیث ۸۴۵) خوش اخلاقی گناه را محو می کند چنان که آفتاب یخ را آب می کند. و بد اخلاقی نیز توبه را مورد قبول خداوند قرار نخواهد داد: ما من ذنب إلا و له عند الله توبه إلا سوء الخلق فإنه لا يتوب من ذنب إلا رجوع إلا ما هو شر منه. (نهج الفصاحه: حدیث ۲۶۷۲) هر گناهی نزد خدا توبه ای دارد مگر بد خوئی که بد خوئی از گناهی بازنگردد، مگر به بدتر از آن رو کند.

### ۲-۲-۳- بخشندگی و رحمتگری پروردگار

خداوند بخشنده و مهربان انسان ها را در حد تکلیف خود آزمایش می کند. خداوند می داند که انسان ها به گناه دچار خواهند شد؛ بنابراین از صفت بخشندگی خود برای بخشش آنان استفاده می کند. دخلت الجنة فرأيت في عارضتي الجنة مكتوبا ثلاثة أسطر بالذهب: السطر الأول «لا إله إلا الله محمد رسول الله» و السطر الثاني «ما قدمنا وجدنا و ما أكلنا ربحتنا و ما خلفنا خسرتنا» و السطر الثالث «أمة مذنبه و رب غفور». (نهج الفصاحه، حدیث ۱۵۵۸) به بهشت در آمدم و دیدم که در دو نمای آن سه سطر به طلا نوشته بود. سطر اول چنین بود: «خدائی جز خدای یگانه نیست و محمد پیغمبر خداست.» و سطر دوم چنین بود: «آنچه را از پیش فرستادیم، یافتیم و آنچه را مصرف کردیم، از آن سود بردیم و آنچه را عقب گذاشتیم از دست دادیم.» سطر سوم چنین بود: «امتی گناهکار است و پروردگاری بخشنده»

بنابر این با توجه به احادیث پیامبر اکرم (ص) استغفار از گناه را خداوند برای بخشش انسان قرار داده است. «ما أصر من استغفر و لو عاد في اليوم سبعين مرة»: هر که استغفار کند، بر گناه اصرار نکرده و اگر چه در یک روز هفتاد بار به گناه باز گردد. (نهج الفصاحه: حدیث ۲۵۷۱) «ما علم

اللّٰه من عبد ندامه علی ذنب إلیا غفر له قبل أن یستغفره: چون خدا پشیمانی بنده را از گناهی بداند، پیش از آنکه آمرزش بخواهد، وی را بیامرزد.» (نهج الفصاحه: حدیث ۲۶۵۰)

«یکی از صفات خداوند (ستار العیوب) بودن است، یعنی عیب‌های بندگانش را در دنیا می‌پوشاند. به این صورت که کسی از گناهان پنهان افراد اطلاعی ندارد و خداوند آنها را می‌پوشاند.» (اکبری، ۱۳۷۷: ۶۶)

یکی از عیب‌های بزرگ، سرزنش کردن دیگران است به خاطر عیب‌ها و لغزش‌هایی که دارند؛ زیرا انسان جایزالخطا است و نتیجه طبیعی و قانونی لغزش‌های خود را خواهد دید و از نظر اسلام، کسی حق ندارد دیگری را سرزنش کند؛ زیرا نکوهش دیگران نه تنها راه اصلاح نیست، بلکه پیامدهایی دارد؛ از جمله اینکه شخصیت فرد را خرد می‌کند و جایی برای اصلاح و بازگشت نمی‌گذارد و در نتیجه، افرادی که مرتکب لغزش و گناهی شده‌اند یا باید از آن جامعه فاصله بگیرند و یا در آن جامعه با بی‌آبرویی و ذلت زندگی کنند و احیاناً به فساد بیشتر تشویق شوند و دیگر اینکه سنت الهی، این است که افرادی که دیگران را سرزنش می‌کنند، خود مبتلا به همان عیب می‌شوند. (همان)

و دیگر اینکه ممکن است فرد گناهکار به درگاه خداوند توبه کرده باشد و خداوند نیز توبه او را پذیرفته باشد و شخص ملامت‌کننده خود باعث گناه شود. در سخن امام علی<sup>(ع)</sup> در این مورد می‌توان به اهمیت این مطلب پی برد. امام علی<sup>(ع)</sup> در نهی از عیب‌جویی گناهکاران می‌فرماید: «به کسانی که گناه ندارند و از سلامت دین برخوردارند، رواست که به گناهکاران ترحم کنند و شکر این نعمت گزارند که شکر‌گزاری آنان را از عیب‌جویی دیگران باز دارد. چرا و چگونه آن عیب‌جو، عیب برادر خویش گوید و او را به بلایی که گرفتار است، سرزنش می‌کند؟ آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه او را بخشید و بر گناهان او پرده‌پوشی فرمود؟ چگونه دیگری را بر گناهی سرزنش می‌کند که همانند آن را مرتکب شده یا گناه دیگری انجام داده که از آن بزرگ‌تر است؟ به خدا سوگند گر چه خدا را در گناهان بزرگ عصیان نکرده و تنها گناه کوچک

مرتکب شده باشد، اما جرأت او بر عیب‌جویی از مردم، خود گناه بزرگ‌تری است. ای بنده خدا! در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش، شاید برای آنها کیفر داده شوی؛ پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند، باید از عیب‌جویی دیگران خودداری کند و شکر‌گزاری از عیوبی که پاک است او را مشغول دارد از اینکه دیگران را بیازارد.» (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۰)

در تاریخ فرهنگ اسلامی افراد زیادی بوده‌اند که مرتکب گناهان بزرگی شده بودند و بعد از پی بردن به گناه خود و پشیمانی از گناه به درگاه خداوند بخشنده توبه نموده‌اند و خداوند توبه آنان را پذیرفته است و بعد از آن به مقام‌های بلندی رسیده‌اند. از جمله نصوص که داستان توبه او معروف است. همچنین فضیل عیاض و یا حربین یزید ریاحی که در واقعه کربلا بعد از توبه به لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> پیوست و به مقام بالای شهادت رسید.

با توجه به مطالب گفته شده برای بیان یک نوع شاهد داستان معروف فضیل عیاض را بیان خواهیم کرد.

### داستان فضیل عیاض

او دزد بود و عاشق کنیزکی شد و در موقعیتی که منتظر معشوق بود، می‌شنود که کسی این آیه قرآنی را می‌خواند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» (حدید: ۱۶) یعنی آن وقت نرسیده که قلوب مؤمنان در برابر کلام خدا خاشع شود؟ فضیل در این هنگام، منقلب شده و می‌گوید: آری وقتش رسیده است و از این پس، از زندگی سابق خود دست می‌کشد و متنبه می‌شود. بعد از توبه خود به خرابه‌ای که در آنجا مسافران به استراحت پرداخته بودند، می‌رود تا خود را پنهان سازد و در حین اختفاء می‌شنود که یکی از ایشان می‌گوید: باید تا صبح صبر کنیم زیرا فضیل در راه به کمین نشسته است و راه امن نیست. فضیل در این لحظه است که شرمنده می‌شود و توبه حقیقی می‌کند و با خود به فکر فرو می‌رود که من در ارتکاب گناه می‌کوشم و مسلمانان از من در هراسند. ای خداوند! توبه کردم و توبه مرا بپذیر و علامت توبه من

این باشد که به مکه هجرت کنم. بعد از آن فضیل از صوفیان می شود. او هنگام دزدی همه را در جایی مکتوب می کرد. بعد از اینکه توبه نمود تمامی مال هایی را که از مردم دزدیده بود، به آنها برگرداند. (رادمهر، ۱۳۸۳)

این داستان و داستان های دیگر از این قبیل، نکات تربیتی زیادی را برای انسان بازگو می کند. اینکه توبه و بازگشت به خدا می تواند سرنوشت هر فردی را تغییر دهد و هر لحظه غافل ماندن از خدا می تواند او را به سوی تباهی بکشاند. همچنین اگر از عمق وجود خود خدا را صدا کنیم بی شک از سوی خدا جوابی خواهیم شنید که مسیر زندگی مان را تغییر خواهد داد. «یکی از ویژگی های بسیار مهم یک مربی، داشتن روحیه عفو و بخشندگی است. عفو از صفات خداست و رسول خدا در این ویژگی نیز سرآمد همگان بود؛ به طوری که هر گاه کسی به شخص وی اهانت می کرد، ضمن بردباری، کریمانه او را می بخشید تا صفحه جدیدی از روش های بایسته تربیت را به روی جهانیان بگشاید. مربی باید با اغماض و چشم پوشی از بدی متربی، او را عفو کند، تا به این صورت او را در مسیر کمال قرار دهد. خداوند به پیامبر دستور می دهد در برابر لجاجت ها، نادانی ها، تعصب ها، کارشکنی ها و مخالفت ها ملایمت نشان ده و از گناهان آنها صرف نظر کن و آنها را ببخش، بخششی زیبا که حتی توأم با ملامت نباشد: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» «و ما آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق نیافریده ایم و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید پس به خوبی صرف نظر کن» (حجر: ۸۵) (بیژه، ۱۳۹۰: ۵۵)

### ۲-۳- پیامدهای سوء گناه در تربیت

بدون تردید یگانه راه سعادت و خوشبختی انسان در دنیا و آخرت، اطاعت مطلق از اوامر قرآن و سنت و اجتناب از گناه و معصیت است. تا انسان دست از گناه و معصیت برندارد و ایمان و اعتقادش را از مخالفت دستور خدا و پیغمبرش پاک ننماید و ظاهر و باطن خویش را از خلاف شرع منزّه نسازد، به سرمنزل مقصود رهنمون نخواهد شد؛ از این رو، پس از ایمان هیچ چیزی به

اندازه ترک معصیت اهمیت ندارد، تا آنجا که بدون ترک گناه و معصیت تحصیل فضائل اخلاقی و کسب کمالات بشری غیرممکن است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: ۱۱۰) «پس هر کسی که خواهان دیدار خدای خویش است باید که کار شایسته کند و در پرستش پروردگارش هیچ کسی را شریک نسازد.» ترس از ارتکاب گناه و آلوده شدن به جرم همان خوف واقعی و در خور شأن انسان است؛ زیرا چنین ترسی باعث می‌شود که آدمی از سقوط در پرتگاه گناه و از کیفر اخروی و حتی دنیوی آن مصون بماند. خداوند درباره‌ی دوستان مؤمن خود که از نافرمانی او بیمناک‌اند، چنین می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (انعام: ۱۵) «بگو من اگر نافرمانی پروردگارم را بکنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم.»

گناهان و خطاهایی که انسان مرتکب آن می‌شود به دو دسته گناهان صغیره و کبیره تقسیم می‌شوند. خداوند می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا» (نساء: ۳۱) «اگر از گناهان کبیره که از آن نهی شده‌اید، پرهیزید. گناهان صغیره شما را می‌زداییم و شما را به جایگاه ارزشمندی وارد می‌گردانیم.» امام علی (ع) در گفتاری فرمود: گناهان بر سه گونه‌اند: گناه بخشودنی و گناه نابخشودنی و گناهی که برای صاحبش، هم امید بخشش داریم و هم ترس از کیفر. سپس فرمود: اما گناهی که بخشیده است، گناه بنده‌ای است که خداوند او را در دنیا کیفر می‌کند و در آخرت کیفر ندارد. در این صورت خداوند حکیم‌تر و بزرگوارتر از آن است که بنده‌اش را دو بار کیفر کند. اما گناهی که نابخشودنی است، حق الناس است؛ یعنی ظلم بندگان نسبت به همدیگر که بدون رضایت مظلوم بخشیده نمی‌شود. و اما نوع سوم، گناهی است که خداوند آن را بر بنده‌اش پوشانده، توبه را نصیب او نموده است و در نتیجه، آن بنده هم از گناهش هراسان است و هم امید به آمرزش پروردگارش دارد. ما نیز درباره چنین بنده‌ای، هم امیدواریم و هم ترسان. (قرائتی، ۱۳۷۷: ۹)

گناه صغیره گرچه در مقابل کبیره، کوچک است، ولی مخالفت امر خدا هر اندازه هم که به ظاهر کوچک باشد، چون در محضر الهی واقع می‌شود و باعث نارضایتی پروردگار گشته و مؤاخذهٔ اخروی را به دنبال دارد، نباید آن را کوچک شمرد و دست کم گرفت. گویا گناه صغیره، ماری است که زهر آن کم اثر است و گناه کبیره، ماری است که زهر آن بسیار خطرناک و کشنده است. پس همان طوری که از مارهای بزرگ و خطرناک دوری می‌کنیم از مارهای کوچک و کم خطرتر نیز باید خودداری نمود. هر دوی این گناهان آثار سوء در فرایند تربیت بشر دارد و او را از راه حق و حقیقت دور می‌سازد. در ادامه به بعضی از آثار سوء گناه بر تربیت از منظر قرآن کریم اشاره شده است.

### ۲-۳-۱- نگرانی و اضطراب

مهم‌ترین عامل نگرانی و اضطراب بشر، اطاعت نکردن از دستورات الهی است. نقطهٔ مقابل آن یعنی آرامش اهل ایمان نیز عمل صالح و اطاعت از خدای متعال است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند،... نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.» «اضطراب در اثر تضاد بین خواسته‌های بی‌نهایت، شهوت و امکانات محدود انسان است؛ زیرا خواسته‌های شهوت، تمام‌ناشدنی و ارضانشدنی است و امکانات محیط و فیزیولوژی بدن محدود است. از طرفی فطرت انسان، مانع بی‌بند و باری و شهوت است؛ مگر اینکه فطرت به اندازه‌ای تضعیف شود که نتواند مقابل شهوت بایستد. اما کسی که فطرت در آنها حکمفرماست، همیشه خود را بین خوف و رجا ننگه می‌دارد تا نلغزد و اگر خطایی کرد، امید عفو دارد. در فرد عادی که همیشه فطرت یا شهوت او غالب نیست و به اصطلاح در نوسان فطرت و شهوت است، بروز اضطراب بستگی به سه عامل دارد: ۱- میزانی که فرد قوانین الهی را آموخته است. ۲- میزانی که فرد به قوانین الهی اعتقاد دارد. ۳- میزانی که فرد قوانین الهی را در عمل به کار می‌برد.» (حسینی،

«روانشناسان، اضطراب را به طبیعی و مرضی تقسیم می‌کنند. آنان اضطراب طبیعی را دلهره و نگرانی معمولی می‌دانند که در افکار و عواطف فرد خلل ایجاد نمی‌کند؛ بلکه سبب تحرک و پیشرفت انسان می‌شود؛ اما اضطراب مرضی را بیماری روانی می‌دانند که نیاز به درمان دارد. اسلام این دیدگاه روانشناسی را به دو بخش تقسیم می‌کند: اضطراب طبیعی/ممدوح، و مرضی/مذموم. اضطراب مرضی یا مذموم همان ترس مبهم از غیر خدا و همان ترس بی‌جهت است که بر اثر تسلط قوه‌ی وهم و تضعیف قوه‌ی عقل در فرد ایجاد می‌شود. اما اضطراب یا ترس ممدوح، ترس از خداوند و گناهان و معاصی است. این ترس و خوف نه تنها مذموم نیست؛ بلکه از بزرگ‌ترین فضیلت‌هاست و سبب ترک گناهان و انجام اعمال صالح می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: از بندگان خدا فقط دانایان از او بیم دارند. (فاطر: ۲۸) و هدایت و رحمت برای کسانی است که از پروردگار خود می‌ترسند. (اعراف: ۱۵۴) پس خوف از خدا، ترس از رستاخیز و بیم از ارتکاب گناهان، سبب رشد انسان و تکامل می‌گردد و لازم است در انسان بوجود آید.» (همان، ۱۳۷۳: ۴۶۳). آنچه از مجموع متون دینی و روانشناسی به دست می‌آید، این است که اضطراب، پریشانی و ترسی مبهم است که بر اثر ناهماهنگی و تعارض درونی در فرد ایجاد می‌شود؛ بنابراین، هرچه آموخته‌های دینی انسان بیشتر باشد و اعتقادات او قوی‌تر و کردارش صالح‌تر باشد، ابتلایش به اضطراب کمتر خواهد بود.

### ۲-۳-۲- عذاب وجدان

«در نهاد انسان، نیرویی است که پس از ارتکاب گناه، آدمی را مورد سرزنش قرار داده، آرامش روحی را از او سلب می‌کند. شکنجه‌های وجدان در شخص گناهکار، گاهی به صورت پشیمانی خودنمایی می‌کند و آن، وقتی است که فرد به حالت یأس عجیبی گرفتار می‌گردد و جنایت خود را غیرقابل جبران می‌داند و در نتیجه، از زندگی ناامید و دچار سقوط می‌شود. قرآن کریم نام نیرویی را که به ملامت انسان می‌پردازد، «نفس لوأمه» گذارده و دانشمندان به آن «وجدان اخلاقی»



می گویند.» (رسولی محلاتی، ۱۳۹۳: ۱۹۹-۲۰۰) قرآن می فرماید: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ \* وَكَأُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ؛ (قیامت: ۱ و ۲). سوگند به روز قیامت، و سوگند به نفس ملامت کننده!» وجدان، تنها محکمه‌ای است که قاضی آن همیشه حاضر است و با گناهکار فاصله‌ای ندارد و گناهکار همیشه در اختیار اوست؛ لذا گناهکاری که وجدان بیدار دارد، لحظه‌ای آرام و قرار ندارد و آسایش از او سلب می گردد. وجدان، راهنمای پاکی در باطن انسان است که خوبی‌ها و بدی‌ها را از هم تمیز می دهد. قدرتی است که غرایز سرکش آدمی را تعدیل و او را از آلودگی‌ها باز می دارد. وجدان، حد فاصل انسان و حیوان است. حیوانات درباره کارهایی که انجام داده‌اند، قضاوت نمی کنند؛ اما، انسان با اتکا به نیروی وجدانش در برابر گناه، خیانت، سرکشی، کوتاهی و هر تخلفی واکنش نشان می دهد و با ملامت و سرزنش خود اسباب آگاهی، ندامت، پشیمانی و هدایتش را فراهم می آورد. وجدان هم پیش از عمل نسبت به کار خیر ترغیب و تشویق دارد و از کار بد و ناپسند باز می دارد و هم پس از انجام عمل عملکرد فرد را مورد ارزیابی و قضاوت قرار داده و واکنش مناسبی نشان می دهد.

### ۲-۳-۳- غفلت

از دیگر پیامدهای شوم گناه، فراموشی و غفلت است. سخن از افراد ظاهربینی است که بر اثر «غفلت» و بی خبری نه تنها اسرار جهان هستی را که ما را با سرای دیگر پیوند می دهد، نمی بینند؛ بلکه از زندگی دنیا نیز تنها به ظاهر آن قناعت کردند. قرآن در این باره بیان می دارد: «یَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷). این گروه (کافران)، تنها ظاهری از زندگی دنیا را می بینند و از آخرت غافلند.» «اگر غفلت و بی خبری، سایه شوم و سنگین خود را بر قلوب آنها نیفکنده بود، در جای جای زندگی دنیا، هم خدا را و هم معاد را می دیدند. در قرآن مجید، اسرار آفرینش موجودات و گوشه‌هایی از نظام جهان ماده به عنوان نشانه‌ها و آیات خدا مطرح شده و زندگی انسان در رستاخیز نیز در لابلای همین زندگی دنیا و حوادثی که در اطراف ما می گذرد، نشان داده شده است؛ منتها فقط افراد بصیر و بینا و آنها که نغمه توحید و معاد را از

درون این حوادث می‌شنوند، به آن واقف می‌گردند، نه غافلان کوردل و بی‌خبر. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۳۸). خطری که به وسیله «غفلت» و بی‌خبری از «یاد خدا» و مسایل سرنوشت‌ساز زندگی، متوجه سعادت انسان می‌شود، بیش از آن است که غالباً تصور می‌شود. «غفلت» مانند آتش سوزان، خرمن زندگی را می‌سوزاند و تمام امکانات و استعدادهای خدادادی انسان را بر باد می‌دهد.

### ۲-۳-۴- رسوایی

از دیگر آثار گناهان، رسوایی در دنیا است. اگر شخص از گناهان خود توبه نکند، دیر یا زود خداوند او را رسوا و خوار می‌کند. انسان در یک سری از غرایز با حیوان مشترک است و اگر این غرایز را به وسیله تربیت و عقل تعدیل نکند، از حیوان هم پست‌تر می‌شود. «صفات و فضایل انسانی هر کدام به منزله پرده‌ای است که روی غرایز حیوانی کشیده شده است و آنها را در وجود انسان پنهان می‌سازد. بخشش، عدالت، احسان و... هر کدام به منزله سرپوشی است که بر روی غرایز حیوانی گذاشته می‌شود و اگر این پرده از بین برود انسان تحت تأثیر غرایز سرکش قرار گرفته و به صورت حیوانی خشمگین و افسارگسیخته در می‌آید؛ به دلیل وجود همین شرم و حیا است که عده‌ای از مردم به سمت گناه نمی‌روند؛ لذا انسانی که طالب فضیلت و کمال است و می‌خواهد کمالات انسانی را در خود زنده کند، باید درصدد باشد تا کارهایی که پرده‌های شرم و حیا را کنار می‌زند و غرایز نهفته حیوانی را تحریک می‌کند، دست نزند.» (کافی، ج ۲، ص ۳۷۳)

در آیات ۱۱ تا ۱۵ سوره مطففین از گناه به عنوان مانع و حجاب مطرح یاد شده است که انسانی که گرفتار گناه است نمی‌تواند حقیقت هستی را ببیند و خداوند از وی محجوب می‌شود. «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الدِّينِ \* وَمَا يَكْتُمُونَ بِهَا إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ \* إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ \* كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ \* كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ.» آنان که روز جزا را دروغ انگاشتند و آن روز را جز متجاوزی گناهکار دروغ نینگارد. چون آیات ما

بر او خوانده شد، گفت: افسانه‌های پیشینیان است. حقاً، که کارهایی که کرده بودند بر دل‌هاشان مسلط شده است. حقاً که در آن روز از پروردگارشان محجوب باشند. (مطفقین، ۱۵-۱۱)

امام علی (ع) نیز در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ تَلَدَّذَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا؛ (محمدی‌ری- شهری، ۱۳۸۹: ۹۹۴) هرکس با گناه و از طریق آن لذت‌جویی کند، خداوند او را خوار و ذلیل می‌نماید.» و در دعای کمیل می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ؛ خدایا! ببخش آن گناهمانی را که پرده عصمت را می‌برد و رسوایم می‌کند.» اگر غرایز نفسانی انسان طغیان کند، پرده شرم و حیا دریده می‌شود و انسان بدون شرم و حیا و بی‌باک از رسوایی و تنفر عمومی، به موجودی خطرناک تبدیل می‌شود. فرد گناهکار با ارتکاب پی‌درپی گناه، فضائل را یک‌به‌یک از دست می‌دهد و به فردی بی‌شخصیت و لابلالی تبدیل می‌گردد.

### ۲-۳-۵- مانع کسب معرفت

یکی از موانع معرفت، گناه است که بر عقل و فطرت تأثیر گذاشته و باعث انحراف از حق و ظرافت‌های خلقت می‌گردد. «وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ ولی دل‌هایشان سخت شده و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است.» (سوره انعام، آیه ۴۳).

کی کجی کردی و کی کردی تو شر      که ندیدی لایقش در پی اثر  
کی فرستادی دمی بر آسمان      نیکی کز پی نیامد مثل آن  
(مثنوی معنوی، دفتر چهارم)

و امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که انسان گناه می‌کند، نقطه سیاهی در قلب او پیدا می‌شود، اگر توبه کند محو می‌گردد و اگر بر گناه بیفزاید، زیادتر می‌شود تا تمام قلبش را فرا گیرد و بعد از آن، هرگز روی رستگاری را نخواهد دید.» (اصول کافی، ج ۳: ۵۸۱). از آیات و روایات چنین برمی‌آید که محرومیت از دستیابی به معرفت، از آثار سوء و تبعات منفی گناهان

است. گناه باعث می‌شود انسان با چرخشی معکوس، نیک را بد و بد را نیک و افعال زشت خود را زیبا بیندارد.

### ۲-۳-۶- عذاب و عقوبت

آیات متعدد قرآن، از فرجام شوم اهل معصیت خبر می‌دهد. ده‌ها آیه در مورد آثار و کیفر گناه در دنیا وجود دارد؛ از جمله: «فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (بقره: ۵۹) بر ستمگران، به جهت نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم. خداوند در می‌فرماید: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۲۴). هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد و منافقان را هرگاه بخواهد، عذاب کند یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند غفور و رحیم است. «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (نساء، ۷۹) هر چه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از خود توست و تو را به پیامبری برای مردم فرستادیم و گواه بودن خدا بس است. این هشدار، مخصوص بت پرستان زمان قدیم نیست؛ امروز هم قرآن به دنیاداران ثروتمند که بر اثر رفاه از باده غرور سرمست شده‌اند، هشدار می‌دهد وضع گذشتگان را فراموش نکنید که چگونه بر اثر گناه، همه چیز خویش را از دست دادند. مطالعه عواقب دردناکی که بر اثر کفر و بیدادگری، طومار زندگانی اقوام پیشین را در هم پیچید، برای همگان درس عبرت است.

### ۲-۳-۷- مانع استجاب دعا

یکی از آثار گناه سلب توفیق از ارتباط با خدا و عبادت است و نماز و دعا از ابزارهای ارتباط با خداوند است که گناه مانع اجابت دعا و ارتباط قوی بین بنده با خالق خویش می‌شود. خداوند در آیه ۱۵ سوره مطففین می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» هرگز چنین نیست قطعاً در آن روز آنان از (ملاقات) پروردگارش منع شده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: الدعاء یردّ القضاء و إنّ البرّ یزید فی الرّزق و إنّ العبد لیحرم الرّزق بالذنّب یصیبه. (نهج الفصاحه: حدیث

۱۵۹۱) دعا دفع قضا کند و نیکی، روزی را بیفزاید و بنده به وسیله گناهی که مرتکب شود از روزی خود محروم ماند. حضرت سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> در دعای عرفه چنین می فرماید: «الهی! آن که تو را یافت، چه چیزی را از دست داد و آن کس که تو را از دست داد، چه چیزی را پیدا کرد.» «گذر موسی<sup>(ع)</sup> به مردی از اصحابش افتاد که در سجده بود. هنگامی که بازگشت، باز همان شخص را در سجده دید. فرمود: اگر حاجتت به دست من بود، هر آینه برآورده کرده بودم. خداوند به او چنین وحی فرمود که اگر آن قدر برای من سجده کند که گردنش خرد شود، از او نمی پذیرم تا اینکه از آنچه که ناخوشایند من است، روی گرداند و به آنچه مطلوب من است، روی آورد؛ یعنی از گناه پرهیز کند و عبادات را به جای آورد؛ و گرنه، گناه جلوی استجاب دعا را می گیرد.» (دستغیب، ۱۳۸۸: ۱۶).

همه انسان ها بر اساس فطرت خداجویشان نیاز شدیدی به ارتباط با خداوند دارند تا در سایه این رابطه، نیازهای روحی و عاطفی خود را برطرف نمایند و از دلی آرام و مطمئن برخوردار شوند، احساس امنیت نموده و روح و فکر خود را متحول سازند. اما تعداد کسانی که از این نعمت برخوردارند و از سفره انس الهی منتعم باشند، بسیار کم است؛ زیرا موجبات این نقصان را با آلوده شدن به گناه فراهم آورده اند و با انجام دادن گناهان ریز و درشت از مسیر سعادت و خوشبختی فاصله گرفته و خود را از ارتباط با معبودشان محروم ساخته اند.

### ۲-۳-۸- کفر و بی دینی

گناه، انسان را به کفر می کشاند. یکی از آثار بسیار خطرناک گناه که در شخص گناهکار به وجود می آید، این است که او را به کفر و انکار ارزش های مذهبی و دستورهای دین که از آن می توان با نام بی دینی یاد کرد، می رساند که به راستی برای انسان و سعادت او خطرناک است و راه هدایت را به روی انسان می بندد. قرآن کریم می فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوَاءِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ: سپس، سرانجام کسانی که اعمال بد انجام دادند، به

جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و [از آن بدتر] به استهزا و مسخره کردن آن برخاستند. (روم: ۱۰)

امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم همواره می فرمود: چیزی بیشتر از گناه قلب را فاسد نکند، (برای دل، چیزی تباہ کن تر از گناه نیست) قلب، مرتکب گناهی می شود و بر آن اصرار می ورزد تا بر آن چیره آید و سرنگون و وارونه می شود؛ یعنی همان طور که وقتی ظرفی وارونه شد، دیگر چیزی در آن قرار نگیرد. دل نیز در اثر گناه، وارونه گردد و دیگر سخن حق در آن جای نگیرد و به تدریج به کفر و بی دینی منجر شود و ما این امر را در برخورد با افرادی که منکر مبدأ و معاد هستند، به خوبی مشاهده می کنیم که گناه سبب انکار، الحاد و کفر آنها شده است.» (اصول کافی، ج: ۳، ۳۶۹) همان طور که مشخص است از خطرناک ترین آثار گناه کفر، شرک و بی دینی است و این مهمترین عامل فاصله گرفتن از تعلیم و تربیت دینی است؛ زیرا راه رسیدن به رشد و کمال را در انسان مسدود می سازد.

### ۲-۳-۹- قساوت قلب

«قلب از منظر قرآنی، منشأ فهم و ادراک معنوی است؛ البته مراد، قلب باطنی است. قلب، در صورتی می تواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد که بیمار نباشد. قلب باطنی، همانند قلب ظاهری ممکن است به انواع بیماری ها دچار شود. برای قلب باطنی، قساوت و سخت دلی، از شدیدترین نوع بیماری ها محسوب می شود. از حضرت امام صادق (ع) کلامی به نقل از حضرت عیسی (ع) آمده است که می فرماید: مَا أَمْرٌ قَلْبٌ بِأَشَدَّ مِنَ الْقَسْوَةِ؛ هیچ قلبی به چیزی شدیدتر از قساوت، بیمار نشده است. بیماری مهلک قساوت اگر معالجه نشود، انسان را از سعادت ابدی محروم و به بدترین نوع شقاوت گرفتار می کند. در روایتی از حضرت امیرمؤمنان علی (ع) نقل شده که می فرماید: مِنْ أَعْظَمِ الشَّقَاوَةِ الْقَسَاوَةُ؛ قساوت از بزرگ ترین [نوع] شقاوت است.» (نراقی، ۱۳۷۸، ۲۴۵). انسان به گونه ای است که دائماً توجهش به سمتی مشغول است. اگر کسی این توجهات را مدیریت کرده، آن را به معنویت و نور هدایت کند، دلش نیز به آن سو متوجه

می شود؛ ولی اگر نفس و توجهات آن به حال خود رها شوند، خیلی زود متوجه نفسانیات و خواهش های درونی می گردند و قلب، سخت و تیره می شود.

### ۳- نتیجه گیری

گناه در طول تاریخ بشر در ادیان و باورهای مختلف مورد توجه بوده است. این مفهوم از خلقت اولین انسان تا به امروز موجودیت خود را حفظ کرده؛ به طوری که در همه ادیان می توان وجود مفهوم گناه را مشاهده کرد. نگاه به گناه و گناهکار در همه ادیان الهی یکسان نیست؛ به طوری که حتی در برخورد با نخستین گناه، نگاه ادیان متفاوت است. اما اسلام دیدگاه مسیحیان را رد می کند و بیان می دارد که هر کسی مسئول خوب و بد کارهای خود است. هیچ کسی مسئولیت کارهای دیگران را بر عهده ندارد و هر انسانی در زمان تولد، پاک و میرا از گناه است. لذا در دین اسلام برخلاف دین مسیحیت، گناه پیشینیان، بر گردن نسل های بعد نیست. در این خصوص، قرآن کریم می فرماید: خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند، هر کس هر کار خیری کسب کرده به سود اوست، و هر کار بدی کسب نموده به زیان اوست، (و مؤمنان گویند) پروردگارا، اگر ما فراموش نمودیم یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مکن پروردگارا، و بار تکالیف سنگینی (به کیفر گناهانمان) بر دوش ما منه؛ چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند نهادی. (بقره: ۲۸۶)

پروردگارا! آنچه بدان طاقت نداریم (از عذاب آخرت) بر ما تحمیل مکن و از ما در گذر و بر ما بیخشای و بر ما رحم کن. تو مولای مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان. همچنین می فرماید: و هر کس گناهی کند، آن را تنها بر ضد خود انجام می دهد و خدا کسی را که مرتکب گناه شده است، می شناسد و دیگری را به جای او مؤاخذه نمی کند؛ زیرا او دانا و حکیم است. (نساء: ۱۱۱)

از منظر اسلام، گناهکار کسی است که فرمان های خداوند را نادیده بگیرد و از اعمال بد اجتناب ننماید و اعمال را که به او تکلیف شده، انجام ندهد. اسلام معتقد است که خداوند

بخشاینده گناهان است و انسان برای عفو گناهان نباید به غیر از خداوند از کسی کمک بخواهد. براساس منابع دین اسلام، فقط خداوند، قادر به بخشش گناهان است. نظر به اینکه خداوند در مقابل استغفار و توبه، وعده قبول و آمرزش گناهان را داده است، یک سؤال باقی می ماند: خداوند تا چه حد گناهان را می بخشد؟ چه بسا سنگینی بار گناهان تا آنجا باشد که انسان امید عفو و بخشش الهی را در خود نبیند! با دقت در آیات قرآن کریم این پاسخ بدست می آید که هیچ گاه جای ناامیدی از درگاه الهی نمی باشد و رحمت و واسعۀ الهی همواره شامل حال بندگان و به خصوص مؤمنان می شود. قرآن کریم در این باره می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳) «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می آمرزد.» این نکته قابل ذکر است که هر چند در این جا به انسان نوید بخشایش و عفو گناهان داده شده است، اما انسان مومن باید همواره با به کار بستن تعالیم و روحبخش قرآن، راه رشد و تعالی را برای خود فراهم سازد؛ چرا که ایمان واقعی به انسان جرأت عصیان پروردگار را نمی دهد. گناه به هر حال تأثیر خود را می گذارد و حتی در صورت محو آثار نیز، انسان از آن کمالی که با تقوا و انجام اعمال صالح می توانسته کسب کند، محروم می ماند که با هیچ چیز قابل جبران نیست.

همان گونه که مشخص شد گناه، کمال و سعادت انسان را سد می کند و از جمله مقوله هایی است که اثر سوء بر تربیت دارد؛ زیرا، به استناد آیات قرآن کریم و روایات معصومین<sup>(س)</sup> گناه سبب می گردد که انسان از مسیر الهی خارج شده و به انحراف و گمراهی کشیده شود. در پژوهش حاضر مهم ترین آثار سوء گناه بر تربیت از نگاه آیات قرآن کریم شناسایی شد که عبارتند از: نگرانی و اضطراب، عذاب وجدان، غفلت، رسوایی، گناه مانع کسب معرفت، عذاب و عقوبت، مانع استجاب دعا، کفر و بی دینی و قساوت قلب. البته وجه مفید نگرانی و اضطراب و عذاب وجدان در آن است که این اضطراب و عذاب وجدان احتمال بازگشت انسان گناهکار و توبه او



را فراهم می آورد و از عوامل تاثیرگذار توبه و طلب بخشش می تواند عذاب وجدان و اضطراب ناشی از ارتکاب گناه باشد. احساس گناه و آلودگی در مقابل دستورهای خداوند، پیوسته فکر را به خود مشغول می سازد و گناهکار همیشه در این فکر است که چگونه خود را از این اضطراب و عذاب رهایی بخشد و این فکر، مانند کابوسی وحشتناک، بر روح او سایه افکنده، وی را مضطرب می سازد و آرامش را از او سلب کرده و گاهی شخص خلافکار برای رهایی از این عذاب درونی، در جست و جوی راه هایی است تا از این حالت نجات یابد. توبه، روزنه بازگشت به رحمت الهی و داخل شدن در آستانه کبریایی پروردگار و مشمول الطاف الهی شدن و یکی از راه های رهایی از کابوس درون و آزادی از چنگال احساس گناه است؛ زیرا توبه، سبب آمرزش گناه، محو آثار آن و سبب رضایت حضرت حق می شود و امید و رضایت مندی و آرامش را در سایه بازگشت به سوی پروردگار، رقم می زند و به همین سبب، موجب کاهش اضطراب و رسیدن به آرامش درونی می شود.

## فهرست منابع

### قرآن مجید

نهج البلاغه. (۱۳۸۶). ترجمه محمد دشتی. قم: اشک یاس.

کلینی، ثقه الاسلام. (۱۳۸۷). اصول کافی. ترجمه حجت الاسلام صادق حسن زاده. قم: انتشارات قائم آل محمد.

ابن فارس، احمد. (۱۴۲۲ق.). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

آزادیان، مصطفی. (۱۳۸۲). علامه طباطبایی و آموزه گناه نخستین. معرفت. شماره ۷۴. صص ۲۲-۲۷.

افشار، بهروز. (۱۳۹۲). نقد و بررسی نظریه گناه ازلی در مسیحیت. مجله معرفت ادیان. شماره ۱۷. صص ۷۱-۸۰.

بیژه، افضل. (۱۳۹۰). اندیشه؛ خوشه شو تا قابل خرمن شوی: نقش و جایگاه استاد و مربی در گسترش و تعمیق مفاهیم دینی. مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، شماره ۸۱. صص ۵۲-۵۵.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). نهج الفصاحه: کلمات قصار پیامبر اکرم صلی الله علی و آله وسلم همراه با ترجمه فارسی. قم: انصاریان.

تاج‌الدینی، علی. (۱۳۸۲). فرهنگ جاویدان المیزان. تهران: نشر مهاجر.  
جعفرطیاری دهاقانی، مصطفی (۱۳۹۴). گناه، بیماری و پیامدهای تربیتی آن از منظر قرآن و حدیث. دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث. شماره ۲. صص ۱۱۳-۱۳۱.  
حسینی بناب، سید ابوالفضل. (۱۳۹۳). بررسی واژه‌های مشترک معنوی مربوط به «گناه» در قرآن کریم و روایات. فصلنامه سراج منیر. دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۸۷-۱۵۹.  
حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۳). بررسی مقدماتی اصول روانشناسی اسلامی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ج ۲. بی‌جا.

خوشدل روحانی، مریم. بیگدلی، رقیه. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی آموزه گناه نخستین از نظر اسلام و مسیحیت با تکیه بر آرای علامه طباطبایی و آگوستین. جستارهای فلسفه دین. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۲. شماره ۱. صص ۱۹-۴۶.  
دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۸). گناهان کبیره. ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
دشتی، محمد. (۱۳۷۲). نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام). مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

رادمهر، فریدالدین. (۱۳۸۳). فضیل عیاض از رهزنی تا رهروی. نشر مرکز: تهران.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). المفردات. تهران: دفتر نشر کتاب.

رسولی محلاتی، هاشم. (۱۳۹۳). کیفر گناه و آثار و عواقب خطرناک آن. قم: بوستان کتاب.

- سارو خاچیکی. (۱۹۸۲). **اصول مسیحیت**. چ دوم. انتشارات حیات ابدی.
- شکری، مهدی. (۱۳۸۸). **تأثیر گناه بر شناخت، با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی**. فصلنامه پژوهش های فلسفی کلامی. سال ۱۱. شماره ۴۱. صص ۷۲-۴۵.
- صفایی سنگری، علی. (۱۳۸۱). **برق عصیان تأملی بر گناه از نگاه صوفیه با تکیه و تأکید بر کشف الاسرار**. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). **المیزان فی تفسیر القرآن**. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: نشر فرهنگی رجاء.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۱). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: اسماعیلیان.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی عمید**. سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده. تهران: اشجع.
- قرائتی، محسن. (۱۳۷۷). **گناه شناسی**. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کاکایی، قاسم. جباره ناصرو، محبوبه. (۱۳۹۵). **بررسی و نقد ارتباط مرگ و گناه در آثار آگوستین قدیس**. مجله الهیات تطبیقی. س ۷، ش ۱۶. پاییز و زمستان ۹۵. صص ۱۸-۱.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). **میزان الحکمه**. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). **مجموعه آثار**. ج ۲۲. حکمت عملی، حکمت ها و اندرزها، فلسفه اخلاق، تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). **پیام قرآن دوره دوم: اخلاق در قرآن**. قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب، حوزه علمیه.

- ملاّیوسفی، مجید. معماری، داوود (۱۳۹۰). **گناه نخستین از دیدگاه اسلام و مسیحیت**. مجله ادیان و عرفان. دوره ۴۴. شماره ۲. صص ۱۰۱-۱۲۶.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۸). **معراج السعاده**. انتشارات هجرت. قم.
- هاشمی شاهرودی. م. (۱۴۲۶ ق). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**. ج ۱. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام. مرکز پژوهشهای فارسی الغدیر.
- یزدانی، نجف. گرگین، باقر. (۱۳۹۶). **تأثیر گناه بر معرفت از دیدگاه استاد مطهری**. فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین. س ۱۳، ش ۴۹. صص ۷۹-۹۶.